Archive of SID.ir

Security Horazions

64

Vol. 17
Autumn 2024
P.P: 11-30

Research Paper

Received:
2024-03-12
Revised:
2024-06-06
Accepted:
2025-01-12
Published:
2025-01-14

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250

Analyzing the role of Imami jurisprudence in providing social security with an emphasis on the capacity of jurisprudence

Hadi Khoshnodi[1] | Ehsan Mostafapour[2]

Abstract

The inadequacies of material schools in providing worldly human happiness have been revealed to humanity. The security of human society is not exempted from this rule, and the emotional and mental construction of materialistic security, which is summarized in the form of some phenomena, is not able to replace real security, and the Imami jurisprudence, from the ever-revealing source, is able to satisfy all the worldly and hereafter needs of man. to cover However, due to some structural and governmental origins of the governments ruling the fabric of Islamic society during the past centuries, the attention of this capacity has decreased from some newly emerging social aspects. The main issue of this research is, what is the role of Imami jurisprudence in providing social security? Therefore, the purpose of this research is to explain the role of Imamiyyah jurisprudence in providing social security by emphasizing the capacity of jurisprudence rules. Considering that some previous researches in this field have not adequately covered endo or had a partial approach, the present research with a descriptive and analytical method, It is appropriate to express the capabilities of Shia jurisprudence in creating a social jurisprudence system. The results of this research showed that social security has theoretical foundations within jurisprudence and extrajurisprudence, and the capacity of jurisprudence in building social security consists of establishing human laws by using Islamic rulings and capacity Jurisprudential rules such as the rule of negating mustaches, maintaining order, equality, respect for Muslim property.

Keywords: Imami jurisprudence; social jurisprudence; Social Security; Jurisprudential rules.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Shahid Mahalati University, Qom, Iran h.khoshnodi@gmail.com
2. Assistant Professor, Culture and Media, Faculty of Political Science and Management, Shahid Mahalati University, Qom, Iran

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.64.1.0

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**
This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

«آفاق امنیت»

واکاوی نقش فقه امامیه در تأمین امنیت اجتماعی با تاکید بر ظرفیت قواعد فقهی

هادی خوشنودی[۱] | احسان مصطفی پور[۲]

۶۴

سال هفدهم
پاییز ۱۴۰۳
صص: ۳۰-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵

چکیده

نارسائی‌های مکاتب مادی در تامین سعادت دنیوی انسان بر بشریت هویدا شده است. امنیت اجتماع بشری نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برساخت حسی و ذهنی از امنیت ماتریالیستی که در قالب برخی نمودها و پدیدارها خلاصه شده است، قادر به جایگزینی امنیت واقعی نیست و فقه امامیه از منبع لایزال وحی قادراست که همه‌ی نیازهای دنیوی و اخروی انسان را پوشش دهند. لکن به دلیل برخی خاستگاه‌های ساختاری و حکومتی دولت‌های حاکم بر بافت جامعه اسلامی در طول قرنهای گذشته، توجه این ظرفیت را از برخی جنبه‌های نوپدید اجتماعی کاسته است.لذا برخی افق‌های معاصر نیز از قالب فقه فردی کمتر خارج شده و برخی موضوعات اجتماعی به طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته‌اند. مسئله اصلی این پژوهش این است که نقش فقه امامیه در تأمین امنیت اجتماعی چیست؟ به همین جهت هدف این پژوهش تبیین نقش فقه امامیه در تأمین امنیت اجتماعی با تاکید بر ظرفیت قواعد فقهی است. فقه اجتماعی نیز یکی از همین نظام های فرافردی است.نظر به اینکه برخی تحقیقات پیشین در این زمینه به طور شایسته به این امر مهم نپرداخته‌اندو یا یک رویکرد بخش- محور و جزئی داشته‌اند، تحقیق حاضر تلاشی بود تا با روش توصیفی وتحلیلی، انگاره‌ای مناسب از ظرفیت‌های فقه شیعه در ایجاد نظام فقه اجتماعی را بیان کند.نتایج این پژوهش نشان دادکه امنیت اجتماعی دارای مبانی نظری درون فقهی و برون فقهی است و ظرفیت فقه در برساخت امنیت اجتماعی عبارتست از وضع قوانین انسانی با بهره گیری از احکام اسلامی و استفاده از ظرفیت قواعد فقهی مانند قاعده نفی سبیل،حفظ نظام،مساوات،احترام به مال مسلمین.

کلیدواژه‌ها: فقه امامیه، فقه اجتماعی؛ امنیت اجتماعی؛ قواعد فقهی

۱. نویسنده مسئول: استادیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران
h.khoshnodi@gmail.com
۲. استادیار، فرهنگ و رسانه ، دانشکده علوم سیاسی و مدیریت ، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.64.1.0

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)
© نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

بر اساس دیدگاه شیعه، احکام فقهی، بایدها و نبایدها به شمار می روند که به وسیله فقیه جامع الشرایط از منابع خود کشف و بیان کننده‌ی عرصه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زندگی بشر هستند.مرور تاریخی فرایند اجتهاد در تشیع نشان می‌دهد که این فرایند از سوی حاکمان وقت خود منزوی بوده و به همین دلیل مهم سیاسی، متمرکز بر حوزه فردی بوده است اما با این حال، فقه اجتماعی نیز در برهه‌هایی از تاریخ ظهور برجسته داشته است و برخی از مسائل مهم جامعه دینی را پوشش داده است. جامعیت فقه برای فرد و اجتماع بشر ناشی از ریشه دار بودن آن در منبع لایزال وحی است که عرصه‌های وسیعی از زندگی بشری را تا کنون پوشش داده و ظرفیت پوشش سایر حیطه ها را نیز دارد. (پارسانیا،۱۳۹۱; ۱۲۷) در همین راستا برخی اندیشمندان (مطهری، ۱۳۸۴؛ ج ۲۰؛ ۶۰-۷۰) فقه الاحکام را دربردانده حیطه‌های مهمی از زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان عنوان کرده که احکام فردی، کنش اجتماعی، رابطه انسان با خود و محیط و امور مختلف دیگری مانند تجارت، اقتصاد، زندگی زناشویی، تغذیه و موارد فراوان دیگر را پوشش داده زیرا دارای یک منبع معرفتی بالادستی است که سعادت دنیوی و اخروی نوع بشر را متضمن است. برخی از این حیطه ها در کتب مشهور فقهی مانند جواهر، و روایات مانند کتب اربعه پوشش داده شده و طبقش فقیهان شیعی، نظریات متعددی را در طول تاریخ تشیع ارائه داده‌اند.علیرغم این سیر تطور فقه شیعه در این سالیان را می توان به دو بخش فقه فردی و فقه اجتماعی تقسیم کرد.جامع‌نگری در وضع و اجرای قوانین، توجه به فرایند تعقل اجتماعی در تصمیمات دینی و اجتماعی تحدید اجتماعی بسیاری از احکام و قوانین و ترجیح و تقدم مصلحت اجتماعی بر مصلحت فردی و بسیاری دیگر از موارد همه نشان‌دهنده توجه منابع، قوانین، اصول و کنش فقه به بعد اجتماعی انسان است.

امنیت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ساحات فردی و اجتماعی انسان که متضمن زیست، بقاء و عقاید جوامع و در زمره اصلی‌ترین کنشهای آگاهانه ذهن بشر و پیششرط زیربنایی برای سایر کارکردهای زندگی بشری نیز موردتوجه دین بوده لکن بسیاری از ابعاد آن در مطالعات علوم اسلامی مغفول مانده و در ارتباط با فقه و کارکردهایش بیشتر به چشم میخورد. یکی از نمودهای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بارز عدم توجه به کاربست‌های فقه در بعد اجتماعی، وجود مشکلات گسترده در فقه نظامات و عدم تدوین فقه نظام منطبق با ویژگی‌های روز جوامع اسلامی است که در این میان، موضوع امنیت اجتماعی به دلیل رخدادهای کنونی جامعه ما، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پس سوالات این پژوهش عبارتند از اینکه: اولا ظرفیت‌های فقه امامیه در ساخت نظام تأمین امنیت اجتماعی کدامند؟ثانیا مبانی نظری درون فقهی ومبانی نظری برون فقهی امنیت اجتماعی کدامند؟ وثالثا ظرفیت فقه در برساخت امنیت اجتماعی در چه قواعدی وجود دارد؟

مفهوم امنیت

امنیت یکی از کلیدی‌ترین و حیاتی‌ترین گزاره‌ها در زندگی بشر بوده است و از ابتدای زندگی بشر دارای نقشی تاثیرگذار و حیاتی بوده است. امروزه نیز حیطه و گستره معناشناختی و کارکردی امنیت بسیار گسترده شده است و ساحات نوینی از زندگی انسان را در بر گرفته است. این تعاریف در پارادایم های فکری و اندیشگانی گوناگون دارای تفاسیر و معانی گوناگون هستند و مولفه های گوناگونی را در بر میگیرد. از آنجایی که ابتناء تحقیق حاضر بر ویژگی فقهی و دینی امنیت بوده است، ضمن ارائه تعریف غربی و کلاسیک از مفهوم امنیت، ویژگیهای امنیت در بافت فقهی و دینی مورد تعمق قرار گرفته است. از لحاظ فقهی، منبع امنیت خداوند متعال است و خداوند آن را در قلوب مومنین انشاء می کند به نحوی که از تجمیع این موهبت اعطایی در قلب انسان های مومن، امنیت جامعه تشکیل می شود که تحت نظارت و قیومت پروردگار است و بر همین اساس خداوند متعال خود را ولی جامعه مومنین دانسته و ایمان آورندگان دفاع خواهد کرد.[1] ودر خطبه ۱۰۶ نهج البلاغه نیز چنین مضمونی تکرار شده است و امام علی(ع) فرموده که اسلام متضمن امنیت پیروان خویش است.[2]

در تعاریف غربی و غیردینی از امنیت، این پدیده به صورت نسبی توصیف شده است به نحوی که امنیت حاصل تفاضل ظرفیتهای دفاعی در مقابل تهدیدات و آسیب‌های داخلی و خارجی است و بر همین اساس هیچگاه دارای اطلاق نیست زیرا تناسب ظرفیتهای دفاعی و تهدیدات بیرونی به صورت دائم در حال دگرگونی است (بوزان و ویور، ۲۰۰۳ :۵۷). این در حالی که بر اساس مفاهیم

۱. إِنَّ اللهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ اللهَ لا یُحِبُّ کُلَّ خَوَّانٍ کَفُورٍ (حج/۳۸)

۲. فجَعَلَهُ أَمْناً لِمَنْ عَلِقَهُ وَ سِلْماً لِمَنْ دَخَلَهُ وَ بُرْهَاناً لِمَنْ تَکَلَّمَ بِهِ وَ شَاهِداً لِمَنْ خَاصَمَ عَنْهُ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دینی، امنیت، الهی و مطلق تفسیر شده است زیرا ناشی از ایمان حقیقی است و شخص با ایمان به حافظیت خداوند که درآیه یازدهم سوره یوسف آمده است[1] و به تفوق دست پروردگار که درآیه دهم سوره فتح آمده است و بلامنازع بودن قدرت، اعتقاد قلبی دارد. یکی دیگر از تمایزات تعریف دینی از امنیت که در تضاد با تعریف غیردینی و سکولار از امنیت قرار میگیرد بحث اصیل بودن امنیت است. در بافت غربی و غیردینی امنیت مفهومی انتزاعی و امری عارضی و ثانویه است که در نتیجه مولفه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و غیره شکل می‌گیرد اما در نگاه دینی امنیت اصیل و دافع همه تهدیدات مادی و فرامادی است زیرا امنیت دارای منشا الهی است و هیچ چیز بشری و عارضی نمی‌تواند در مقابل آن قرار بگیرد. در بافت دینی امنیت از جانب خداوند به قلب مومن اعطاء میشود و نیازمند و محدود به هیچکدام از مظروفات بشری نیست و تنها از آنها به عنوان ابزار استفاده می کند. به عبارت دیگر، امنیت در بافت دینی ذاتا معنوی و در تناسب با ایمان قرار می گیرد ولی در دنیای غرب صرفا مادی و ماهیتا ابزاری است. (شکوهیان راد،۱۳۹۴، ۷۸)

یکی دیگر از تفاوتهای امنیت در مفاد دینی و سکولار، بحث رویکرد به پذیرش آن است. در حالی که امنیت در اسلام امری اختیاری است، امنیت در بافت سکولار امری اجباری است. به عبارت دیگر، پذیرش امنیت به دلیل ریشه دار بودن در ایمان و به تبع آن اختیاری بودن ایمان، امری اختیاری است اما در نظام سکولار به دلیل ریشه دار بودن امنیت در نگاه ماتریالیستی و عدم دسترسی به مبنای مناسب برای اقناع جامعه، از ابزارهای پلیسی و ماتریالیستی بهره می گیرد و دست به خلق نظریات توطئه می زند. به عبارت دیگر، برساخت امنیت در نگاه دینی درونی است و مهار قلبی دارد اما در نگاه سکولار دارای مهار سخت، فیزیکی و بیرونی است و جامعه با برخورد سخت نظم می یابد. و در نهایت، تفاوت عمده نگاه غربی و دینی به امنیت در ادراک از امنیت است که در بافت دینی امری درونی، قلبی و اعتقادی است اما آنچه که در امنیت سکولار و ماتریالیستی شکل می گیرد امری بیرونی و احساسی است و به جای امنیت قلبی، احساس امنیت شکل می گیرد. (بوزان و ویور، ۲۰۰۳:۵۹)

---

۱. قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مفهوم فقه اجتماعی

مرور پیشینه تحقیق در زمینه تعاریف فقه اجتماعی نشان می دهد که برای تبیین این مفهوم، از رویکردهای مختلفی بهره برده شده است که ما به چند رویکرد اصلی برای تعریف فقه اجتماعی اشاره میکنیم. در رویکرد اول، با اتخاذ وجه مضاف و مضاف الیه بودن بین دو عبارت " فقه" و " اجتماع" ، فقه اجتماعی به فقهی تعبیر شده است که مرتبط با مسائل اجتماعی مانند ازدواج، معاشرت، ارتباطات اجتماعی، معاملات و داد و ستد و غیره است. نگاه به تاریخ فقه نشان می دهد که این رویکرد در بین فقها و در کتب فقهی نیز موجود است اما جامع نبودن این رویکرد برای تعریف فقه اجتماعی از جایی ناشی می شود که برخی مسایل اجتماعی نوپدید هستند و در چارچوب این موضوعات سنتی فقهی قرار نمی‌گیرند. مهمتراینکه برخی ابواب فقهی این رویکرد متناسب با مسایل مستحدثه بسط و تعمیق نیافته وپاسخگوی همه نیازهای کنونی نبوده و فقط بخشی از پدیده مورد نظر را پوشش داده و از جامعیت و مانعیت برخوردار نیست (ربانی، ۱۴۰۰، ۱۳۷).

در رویکرد دوم بر تمایز فقه فردی از فقه اجتماعی تاکید شده و بر این مبنا، فقه اجتماعی را تعریف کرده اند. در این نگاه، نسبت بین فقه و اجتماع از لحاظ زبانشناختی صفت و موصوف است، بدان معنا که فقه اجتماعی گزارشی از فقه فردی در مسایل اجتماعی است که در برخی مواقع منجر به صدور احکام متفاوت میشود برای مثال، برخی محققان تجسس در حریم خصوصی را از نظر فردی مردود دانسته که در حیطه فقه فردی قرار می‌گیرد اما درمصالح اجتماعی به دلیل تغییر رویکرد از فردی به اجتماعی، حیطه و ماهیتش تغییر و حکم به جواز تجسس صادر می شود. در رویکرد دیگر به تعریف فقه اجتماعی، که بیشتر هم مورد تاکید محققان بوده است، بر ظرفیت فقه برای نظام‌سازی تاکید شده است. (ربانی،همان، ۱۳۸) معتقد است که فقه اجتماعی نظام ساز بیشتر مبتنی بر فقه جواهری و تاکید بر گزاره های جمعی به جای گزاره های فردی است و به جای مکلف فردی، مکلف جمعی مورد خطاب است به نحوی که سازمان ها و گروه‌های اجتماعی به عنوان مکلف در نظر گرفته میشوند. فقه هنر، فقه معماری و عمران، فقه درمان و سلامت و مواردی اینچنین در این شمول قرار می‌گیرند که با کنار هم قرار گرفتن آنها،شبکه و نظام جامع فقه اجتماعی تشکیل می‌شود که مشابه نظام ولایت فقیه در سیاست اسلامی است. پس فقه اجتماعی همان‌کسب دانش‌فقهی از منظر اجتماع و اتخاذ یک رویکرد فرافردی برای بررسی مسائل اجتماعی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از دیدگاه فقهی و ترسیم و تحقق نظام های اجتماعی مبتنی بر فقه است که باعث اداره امور جامعه از دیدگاه الهی می‌شود. این تعریف نهایی با دریافت بسیاری از فقیهان بزرگ معاصر مانند امام خمینی تطابق داردکه فقه را نظریه‌ی واقعی اداره انسان از گهواره تا گور می‌داند. (خمینی،۱۳۶۱، ج ۲۱، ۲۸۹)

مبانی نظری

یکی از مهم ترین مباحث هر پژوهشی مبانی نظری آن می‌باشد که در اینجا به اهم این مبانی می‌پردازیم.

مبانی نظری درون فقهی امنیت اجتماعی

فقهای زیادی موضوع امنیت را از نگاه درون فقهی نظریه پردازی کرده‌اند که در این بخش به اقتضاء تحقیق حاضر به بخشی از مهم ترین آنها اشاره خواهیم کرد.طبق نظر برخی محققاننظریه نخست مربوط به "فاضل مقداد" از فقهای برجسته قرن نهم است که میگوید امنیت لازمه تکامل بشر است به نحوی که انسان در این سیر تکاملی نیاز به دفع عوامل مضر و زمینه سازی استفاده و برخورداری از عوامل مفید است. در این نظریه، وضع احکام جزایی برای تامین امنیت انسان از مقاصد شریعت عنوان شده است و هدف شریعت را رفع عوامل مضر برای تکامل انسان و تامین زمینه های مفید عنوان کرده است. (لک زایی؛ ۱۳۹۰: ۱۹۵)و برخی دیگردر بسط این نگاه نظری اضافه کرده‌اند که از مقاصد شریعت حفظ و تامین امنیت پنج عنصر بنیادی شامل دین، مال، جان، نسب و عقل انسان می‌شوند و برای تکامل و حفظ بشریت لازمند.بر همین اساس احکام اسلامی در ابواب مختلف تجارت، مسکرات، قضا و شهادات و غیره وضع شده‌اند تا ضامن بقای حکومت اسلامی و به تبعش تأمین امنیت انسان و تضمین تکامل و رفاه او در زمینه‌های یاد شده است.(اعرافی ،۱۳۸۸، ۹۰) نظریه دیگری که موضوع امنیت را از منظر درون فقهی مورد بررسی قرار داده، معروف به نظریه "نایینی" است که بر خلاف فقهای پیشین که بیشتر معطوف به مسائل اجتماعی مانند عدالت بوده، بر مفاهیم مترقی دیگری چون آزادی و امنیت تکیه کرده است (نایینی، ۱۳۸۸، ۴۱).طبق این نظریه، حاکمان اسلامی نسبت به تأمین امنیت امور اقتصادی و زیست و رفاه و جان و مال شهروندان خود مسئول و امین و امانت دار به شمار می‌روند و شهروندان جامعه نیز به میزان و نسبت مشارکت خود در تأمین امور مذکور، حق بهره مندی از امنیت در ابواب

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مطرح شده را دارند و می توانند موارد مرتبط با امنیت را از حاکمان خود مطالبه کنند. بر اساس این نظریه، تعیین ساختارهایی مانند قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی می‌تواند ضامن تحقق امنیت از این نوع باشد و جلوی تعدی و تفریط حاکم و نقض امنیت شهروندان را بگیرد و زمینه لازم برای مطالبه امنیت از سوی شهروندان را نیز فراهم کند.در این نظریه اولویت های امنیت حفظ اسلام، مردم و وطن عنوان شده که در وهله اول از وظایف ذاتی حکومت تعیین شده است. این دیدگاه در فضای سیاسی مشروطه معاصر به توفیقات لازم دست نیافت به نحوی که در زمینه امنیت در حکومت اسلامی تا زمان امام خمینی (ره) هیچ نظریه مشهور دیگری دراین‌باره ارائه نشد.نظریه دیگری در این تحقیق بدان پرداخت شده نظریه امنیت از دیدگاه فقه امام خمینی (ره) است که به دلیل ویژگیهای ماهوی و استعداد فضای سیاسی، منجر به استقرار حکومت اسلامی با اهداف متعالی امنیت شد. این نظریه معطوف به امنیت از چند حیث با نظرات فقهای پیشین تمایز دارد که از آن جمله می توان اصل قراردادن رهبری حکومت از سوی ولی فقیه، تمایزات نظام سیاسی اسلامی و نوع رابطه مردم و حکومت اشاره کرد. در این نظریه درون فقهی از امنیت، قانون شرط لازم عنوان شده لکن کفایت نظام قوانین برای تامین امنیت رد شده است. امام معتقد است قانونی می تواند احکام را اجرا کند، جامعه را اصلاح کند و به تبع آن امنیت را برقرار و حفظ کند که دارای قوه‌ی مجریه باشد (خمینی، ۱۳۷۸، ۲۰-۳۰). در این نظریه تشکیل اداره حکومت شرط لازم و اساسی برای تامین امنیت و جلوگیری از فساد و هرج و مرج عنوان شده که با شرع و عقل و سنت رسول اکرم و امام علی(ع)، تطابق دارد.دلیل دیگری که امام خمینی در این باب نظری پیرامون لزوم تشکیل حکومت اسلامی برای تامین امنیت مطرح می‌کند تفاوت ماهوی احکام و دستورات اسلام است که با احکام بشری تفاوت دارد (خمینی، همان، ۳۰).

نظریات برون فقهی امنیت اجتماعی

مبانی نظری امنیت اجتماعی با رویکرد فقهی و در چارچوب شریعت، مبانی نظری کلاسیک و عمدتاً سکولار از امنیت اجتماعی از لحاظ روش شناسی، معرفت شناسی، هستی‌شناسی و انسان شناسی تفاوت‌های ماهوی دارند. در نگاه کلاسیک، امنیت اجتماعی متضمن تداوم حیات وکیفیت بقای اعضای جامعه است و برخی عوامل معنوی، فرهنگی، اقتصادی و غیره باعث‌آسیب به شئون

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مختلف زندگی بشری می‌شوند و در زمره تهدیدات به شمار می روند(بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۴۶). دراین نگاه أصالت امنیت وجود ندارد و برداشت از امنیت همان احساس امنیت است. لذا امنیت اجتماعی معطوف به حفظ و نگهداری احساس تعلق یا همان احساس ما بودن است و این احساس جمعی ما بودن لازمه بقای جامعه عنوان شده و مادامی که این احساس امنیت تداوم داشته باشد، افراد جامعه نسبت به مشکلات و مسائل جامعه احساس تعهد و تکلیف می‌کنندو عدم وجود این احساس به مثابه هرج و مرج و فقدان امنیت خواهد بود.

بر اساس امنیت مفهومی است که متمرکز بر دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال است به نحوی که در بافت شهروندی مرتبط با مفاهیمی مانند، جرم [1]، ترس [2]، قربانی شدن [3] و غیره گرچه بسیار متفاوت تبیین شده و از سوی دیگر با مفهوم قربانی جرم واقع‌شدن و ترس از آن در ارتباط است.(گاهل،۱۹۷۱، ۲۳) در تبیینی معارض،معتقد است‌که این تعریف از امنیت کمینه بین ترس و خطر یا احساس امنیت کردن و در امان بودن تفاوت بنیادین وجود دارد.(کارمونا ،۲۰۰۳، ۴۰-۴۱)پس، مفهوم بافت شهروندی امن در مقابل مفهوم بافت شهرونی فاقد امنیت تبیین می شود به نحوی که در آن ناامنی به دو شیوه عینی(رخداد قتل، سرقت و...) و ذهنی (ادراک از امنیت)نمود می‌یابد و ساحات گوناگون زندگی بشری را در بر می‌گیرد.(صالحی، ۱۳۸۷، ۱۰۷) به طور کلی در این مفاد، دو رویکرد کلی به امنیت اجتماعی وجود دارد که یکی رویکرد سنتی و دیگری مدرن به امنیت اجتماعی است.

بر اساس رویکرد نخست،عطف امنیت به عوامل ماتریالیستی است که امنیت اجتماعی را ضامن بقای افراد جامعه عنوان می‌کند و آن دسته از عوامل مادی که بقای جامعه را تهدید کند در زمره تهدیدات امنیت اجتماعی به شمارمی‌آورد.پس همه عوامل ماتریالیستی که مخل نظم زندگی اختلال باشد به مثابه تهدید و نیازمند حذف است.در تعریف مدرن‌تر نیز بسط حیطه امنیت گستره بیشتری یافته و علاوه بر عوامل زیستی ماتریالیستی و عینی، به عوامل معنوی و فرهنگی نیز اشاره شده است.

1 Crime
2 Fear
3 Victimization

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برخی معتقدندکه مفهوم ارگانیکی از امنیت اجتماعی،معادل هویت بوده و امنیت اجتماعی مترادف امنیت برخاسته از هویت اجتماعی است.طبق این نظریه،برخی عوامل مانند دلبستگی مکانی، وطن بودن و غیره مقوم امنیت اجتماعی است.اعضای یک گروه هویتی تمایل دارند برای حفظ هویت بر این عوامل هویت ساز تاکید کنند.(نویدنیا ،۱۳۸۲، ۶۵)

یکی از نظریات غربی که از آن در تبیین امنیت اجتماعی استفاده می شود ، هرم نیازهای اساسی مازلو است. مازلو در چارچوب نظری خود که به شکل هرم ارائه شده، نیازهای اساسی انسان را در یک هرم جای‌داده که دارای پنج سطح متفاوت است به نحوی که در سطوح پایین تر و نزدیکتر به قاعده هرم نیازهای پیچیده‌تر ولی کمتر حیاتی قرار گرفته به نحوی که تا نیازهای سطوح پایین مرتفع نشود، نیازهای سطوح بالا مورد توجه قرار نخواهدگرفت. در این دسته بندی، امنیت در ابعاد گوناگون خود، در سطح دوم و بلافاصله بعد از نیازهای فیزیولوژیک انسان قرارگرفته است.(شولتز وآلن، ۱۳۷۵، ۹۱)برخی معتقدندکه طبق این دیدگاه تأمین نیاز امنیت انسان زمینه‌ساز تامین نیازهای سطوح دیگر است که خود به دلیل داشتن رابطه دو سویه، مقوم احساس امنیت است زیرا امنیت یک تولید اجتماعی است و امنیت در تعاملات یا روابط دیگر اجتماعی محقق می‌شود.(سام آرام ،۱۳۸۸، ۲۲)

یکی دیگر از نظریات غربی که معطوف به امنیت اجتماعی است نظریه بری بوزان است. امنیت اجتماعی از منظر این نظریه به حفظ مجموع ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که مقوم یک گروه اجتماعی است. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی عطف به جنبه‌هایی از زندگی انسان است که هویت گروهی او را نظم داده است. بر همین اساس، برای حصول امنیت اجتماعی باید با تهدیداتی که به‌صورت بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می کنند، مقابله اساسی صورت گیرد.

پیشینهٔ پژوهش

در زمینه موضوع پژوهش حاضر آثاری وجود دارد که عبارتند از:

۱. مقاله «امنیت اجتماعی در آرا امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری»نوشته جلیلوند و هاشمی، فصلنامه مطالعات منافع ملی. در این تحقیق بررسی مولفه‌های اجتماعی از دیدگاه امامین انقلاب پرداخته شد. نتایج این تحقیق که به صورت کیفی و روش تحلیل مضمون بوده، نشان داد به دلیل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بنیان‌مند بودن مبانی امنیتی امامین انقلاب در هستی شناسی و معرفت شناسی انقلابی و دینی، هردو ساحت خرد و کلان امنیت اجتماعی مورد توجه ایشان بوده است.

۲. مقاله «ظرفیت‌های فکری مکتب فقهی امام خمینی درتولید فقه اجتماعی»نوشته محمدباقر ربانی. مجله فقه واجتهاد. نتایج از این مطالعه که به‌صورت تحلیلی است حاکی است که مکتب فقهی امام خمینی به دلیل عطف و تاکید بر موضوعاتی مانند روش تجمیع ظنون، عرف، قاعده لاضرر،خطابات قانونیه و دیگر موارد، ظرفیت مناسبی برای تولید فقه اجتماعی در جنبه‌های گوناگون و پاسخگویی به بسیاری از مسایل نوپدید اجتماعی را دارد.

۳. مقاله «روش شناسی فقه اجتماعی از دوره تأسیس تا دوره تثبیت» نوشته ربانی وابراهیمی پور، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی. این تحقیق نسبتا متمایز، به جای بررسی محتوای فقه اجتماعی، به بررسی روش شناسی فقه اجتماعی از دوره تاسیس تا دوره تثبیت آن پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که فقه اجتماعی از دوره صفویه به دلیل حضور فقها در عرصه قدرت آغاز و در دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران به تثبیت رسید ولی تا دوران بلوغ و تکامل خود مسیری طولانی را در پیش دارد.محقق کرکی،میرزای شیرازی،میرزای نائینی، شهید صدرو امام خمینی از فقها برجسته در این عرصه بوده‌اند. تسلط به اقتضائات زمان و مکان، نقش مصلحت، نقش مقصد شریعت و موارد اینچنینی دیگر، از الزامات فقه اجتماعی برای فقها عنوان شده است.

۴. مقاله «واکاوی وتحلیل امنیت ومولفه‌های آن در فقه سیاسی اسلام»،نوشته‌زرگر وپازوکیان، نشریه امنیت پژوهی. این مقاله با استخدام روش تحلیلی- اسنادی، به واکاوی و تحلیل امنیت و مؤلفه‌های آن در فقه سیاسی اسلام پرداختند و اشاره‌ای به بعد اجتماعی امنیت نیز داشته‌اند.

۵. مقاله «بررسی مبانی فقهی امنیت اجتماعی از دیدگاه فقهای شیعی معاصر» نوشته جولنگرودی وهرندی، مجله علوم اجتماعی. این نوشتار با استخدام روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیده که احکام و قواعد و مکانیسم‌های فقهی مانند حدود و تعزیرات، فقه پوشش، ترویج تعاون و همکاری در جامعه، گسترش پیوندهای اجتماعی و توجه به حق‌الناس ازجمله ملزومات شکل‌گیری امنیت اجتماعی هستند که در فقه به آن اشاره شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۶. مقاله «بررسی مولفه‌های امنیت توحیدی در سند چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»نوشته شکوهیان راد. نتایج این تحقیق بر تولید امنیت اجتماعی بومی و متناسب با جامعه توحیدی تاکید دارد که می‌تواند امنیت اجتماعی جامعه ایران تضمین کند.

از وجوه تمایز تحقیق حاضر با مطالعات این حوزه تناظر محتوایی دقیق با حوزه تحقیق (امنیت اجتماعی و فقه امامیه) و عطف دقیق به بحث کاربردشناسی فقه امامیه در امنیت اجتماعی است که در تحقیقات پیشین تنها به آن به صورت توصیفی اشاره شده است وبحث امکان سنجی آن خصوصا با ظرفیت قواعد فقهی در هیچ کدام مطرح نشده است.

روش‌شناسی پژوهش

بررسی پیشینه تحقیق در فقه اجتماعی نشان داد که پدیده انتخاب‌شده برای تحقیق حاضر یک پدیده چندوجهی است که از نظرگاه‌های گوناگونی قابل بررسی است که تحقیقات انجام‌شده در ابعاد استخدام چارچوب نظری، اعتباربخشی و تعمیم داده‌ها و مبحث معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی تحلیل داده‌ها دارای برخی نقایص است که پیش‌تر مورداشاره قرار گرفت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان عدم روایی در بافت اندیشگانی مطالعات امنیت اجتماعی با بافت فقهی-اسلامی اشاره کرد. علاوه بر آن، ادبیات تحقیق حاکی از آن است که تلاش چندانی برای کاربردشناسی یافته‌ها در مطالعات پیشین انجام نگرفته است. با نظر به نقایص پیشین در مطالعات قبلی و همچنین اهداف و طرح تحقیق در نظرگرفته شده برای مطالعه جاری، این مطالعه از رویکرد توصیفی وتحلیلی که ابتدا ظرفیت فقه استخراج وسپس مورد تحلیل در قالبهای وضع و قواعد فقهی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

جایگاه امنیت در فقه

برخی از اندیشمندان بر این نکته تصریح دارند که مفهوم شناسی و بازشناسی جایگاه امنیت در فقه بسیار ضروری است زیرا تمام گزاره های فقهی به شکل حکم و دستور ارائه می شود که به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ویژه در حیطه اجتماعی، دارای ماهیتی امنیتی است و هم فقیه ملزم به استنباط احکام از شواهد و ادله تفصیلی است. (لک زایی، ۱۳۹۳ش، ۱۸۵)

عده ای دیگر نیز حکم را به منع و بازدارندگی برای اصلاح فرد و جامعه عنوان کرده است که بر این اساس، دارای بار حکومتی و امنیتی گسترده‌ای است. (اصفهانی، ۱۳۷۳ش، ۱۲۵). شیخ صدوق نیز دو ویژگی را برای حکم حکومتی مطرح کرده است که یکی شامل بودن و دیگری قابلیت نفوذ آن است که این تعریف نیز دارای ظرفیت امنیتی است. طبق برخی نظرات، احکام حکومتی که دربردارنده ماهیتی اجتماعی است و برای کنترل جامعه و الزامات زندگی اجتماعی استفاده میشود، دارای بار امنیتی هستند زیرا متضمن مصالح عمومی جامعه و تنظیم روابط و سازکارها در اجتماع بشری هستند. (صدوق،۱۳۸۶ق، ۴۸۳) همه این گزاره ها نشان دهنده اهمیت جایگاه امنیت در فقه به ویژه فقه اجتماعی است زیرا بدون آن امکان تشکیل حکومت اسلامی و تحقق تمدن اسلام فراهم نیست.(گرجی ،۱۳۶۹، ج ۲، ۲۸۷) بر همین اساس تحقیق حاضر به این بعد مهم از امنیت در اجتماع پرداخته است.

رابطه مبانی فقه اجتماعی با امنیت اجتماعی

فرایند تشکیل جامعه توسط بسیاری از اندیشمندان فقهی مورد توجه قرارگرفته است.علامه طباطبایی به شکل بسیط‌تری فرایند تشکیل جامعه انسانی طبق مبانیش به ویژه مبانی انسان شناختی پرداخته است و در معرفی ادراکات اعتباری، چگونگی تشکیل جامعه بشری را از نظر تحلیل- فلسفی مورد تحقیق قرار داده که با تبیین نظری آن میتوان به اهمیت امنیت و گسترش آن در جوامع بشری پرداخت. (طباطبایی، بیتا، ۱۲) موجودات بر اساس رویکرد تکاملی به سه‌دسته تقسیم می‌شوند که عبارتنداز:الف. موجوداتی که به دلیل عطای کامل موجودیت از بدو خلفت فاقد روند تکاملی هستندمانند فرشتگان در این دسته جای دارند.ب. موجوداتی از جنس ماده که در صورت تحقق برخی زمینه‌ها امکان حصول تکامل به صورت بخشی را دارا هستند ودر آنها برخی تغییرات حادث میشود مانند گیاهان ج.موجوداتی‌که بر اساس ماهیت و فطرتشان به دنبال کمالاتی هستنداما نیازمند ابزارهایی هستند تا به ظرفیت های خود برسندمانندحیوانات و انسان‌ها.(طباطبایی، رسائل الصبا، ۱۳۶۱: ۶۵). طبق این تبیین، بخش قابل توجهی از فعل انسان‌ها، بر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اساس اراده و قصد است که نسبت به آن، آگاهی حاصل شده و عدم توانایی انسان از فرار ازخطرمجهول از همین منظر قابل توجیه است(همان).به همین دلیل است که انسان به برخی علوم اعتباری نیاز دارد.در اندیشه علامه اندیشه اعتباری همان تصاویر و نسبتهای پنداری و تخیلی انسان هستند که نوع رابطه عملی بشربا کنش ها و موجودات جهانِ خارج را ترسیم می کنند و به عبارتی، راههای عملی نیازها را پیش روی اراده انسان می گذاردو بر همین اساس، اراده انسان در تطابق با آنچه که از این تصاویر دریافت کرده است، دستورات اجرایی را برای تحقق جریان عادی حیات بشر، صادر می کند (همان). برخی معتقدنداین نوع از اعتبارات در زندگی بشر از کلی ترین اعتباراتی هستند که درهر گونه کنشی لحاظ می‌شوند و در واقع منطقی هستند که بر اساس آن رابطه انسان با محیط پیرامون خویش تنظیم می‌شود. (لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۸، ۶۸)به عبارت دیگر،اعتبارات عمومی از آن دسته از اعتباریات هستند که بشر در هر تعاملی یا کنشی، لاجرم به کاربست آنها است. (طباطبایی،رسائل الصبا، ۱۳۶۳: ۵۹).در همه مصادیق اجتماع کنونی، هزاران نمونه برای اینگونه تغییرات رسومی- آدابی، اخلاق، معاملاتی و تعاملات اجتماعی یافت می شودو هر شکلی از تقنین بر اساس تشخیص نوع نیاز و اولویت بندی آنها و تشخیص نوع تهدیدی که در هر سطح می تواند تامین نیازهای فردی و جمعی را تهدید کند، به تدوین قانون یا همان اعتبارسازی منجر می‌شود. تبیینی که علامه طباطبایی از مکانیسم اعتبارسازی بشر و فرآیند پیوندش با موجودات بیرون ارائه کرده است همان کاری است که عالمان دینی با کشف احکام از منابع و اعتقاد به ظرفیت فقه، به دنبال اداره تنظیمات روابط انسانی بوده‌اند و بر اساس اصول و قواعدخویش، اصول عملی و احکام ثانویه و احکام حکومتی را ساماندهی کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ۶۸-۶۹)

ظرفیت فقه در برساخت امنیت اجتماعی

الف. وضع حکم

یکی دیگر از ظرفیت‌های فقه برای ایجاد ساختار امنیت اجتماعی در جامعه، استفاده از ظرفیت وضع حکم است. احکام در فقه دارای ظرفیت سلبی و ایجابی هستند. از ظرفیت سلبی حکم فقهی در حکومت اسلامی می‌توان برای جلوگیری از عوامل مخرب مولفه‌های امنیت اجتماعی استفاده کرد و از جنبه ایجابیش می‌توان برای زمینه‌سازی و تقویت امنیت اجتماعی استفاده کرد.حکم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شرعی به مثابه قانونی است که از سوی پروردگار به منظور تنظیم حیات انسانی جعل شده است البته در تعریف عملیاتی، حکم، انشای نافذ از طرف حاکم اسلامی شمرده شده و این امکان وجود دارد که آن شرعی یا وضعی باشد که گستره وسیعی را در برمی‌گیرد و حیطه شمول آن از حکم قاضی بیشتر است (لک‌زایی، ۱۳۹۰، ۴۱). طبق نظر برخی محققان احکام به دو دسته حکم اولی و حکم ثانوی تقسیم‌بندی می‌شوند.در کنار این دو، حکم حکومتی است که ولی امر مجاز به اتخاذ تصمیماتی مقتضی به حسب مصالح زمان و مکان و وضع احکامی مطابق با آنکه لازم‌الاجرا و معتبرند.(طاهری خرم آبادی، ۱۲۲، ۱۳۸۰).

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که امنیت به طور عام و امنیت اجتماعی به صورت خاص، ذیل کدام یک از این احکام قرار می گیرد. بر اساس برخی تحقیقات(لک‌زایی، ۱۳۹۰، ۴۲)، اگر امنیت را در شمول احکام اولیه وضعی قرار دهیم قریب به صواب است. بر این اساس امنیت در شمول مقوله‌هایی مانند دفاع قرار می‌گیرد به همین دلیل، هم یک "وضعیت" به شمار می رود و هم موضوعی برای احکام تکلیفی است. این بدان معناست که در حکم وضعی امنیت، فقیه از احکام امنیتی سخن به میان رانده است. البته هر حکم اولی، موضوع احکام ثانوی و حکومتی نیز می تواند قرار گیرد؛ زیرا حکم ثانوی دایر مدار "اضطرار" است، و برای فهم حکم حکومتی نیز مثال "جهاد" کافی است؛ چرا که جهاد اگرچه حکم اولی است، اما موضوع حکم حکومتی هم می تواند قرار گیرد؛ یا "مالکیت" با اینکه حکم اولی است، اما در تزاحمات و مواردی که بحث مصالح عمومی به میان بیاید، موضوع حکم حکومتی می‌شود.

ب.استفاده از ظرفیت قواعد فقهی

شریعت نه‌تنها به عنوان منبع اصلی برای نظام حقوقی ایران کاربرد دارد بلکه به عنوان بنیانی است که تنظیم‌کننده همه رفتارهای انجام‌گرفته در جامعه اسلامی است و همه این رفتارها نیز بر اساس همین بنیان ارزیابی می‌شوند. امنیت فردی و امنیت اجتماعی نیز ذیل همین بعد قابل بررسی هستند. دسته گسترده‌ای از قواعد فقهی موجود ظرفیت هم بخشی به نظام امنیت اجتماعی مطلوب و مبتنی بر گزاره های فقهی و اسلامی را دارند. در این قسمت به برخی از مهم ترین این قواعد اشاره می کنیم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قاعده نفی‌سبیل

بر اساس قاعده نفی سبیل، خداوند متعال در تشریع احکام اسلامی هیچ حکم زمینه ساز برتری کافر بر مسلم را جعل نکرده است.آیه ۱۴۱ سوره نساء و روایات متعددی از مستندات این قاعده به شمار میروند که توسط فقیهان بزرگی مانند شیخ انصاری اشاره کرد.(انصاری، ۱۴۱۵،ج ۴، ۱۴۲)

از باب تنقیح مناط میتوان گفت هر عملی که موجب هژمونی کفار بر مسلمانان در هر عرصه و با هر وسیله ای شود، حرام است و شامل همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی میشود به نحوی که هر رابطه‌ی سلطه آور با کفاردر هرطریق منتفی است (بجنوردی ،۱۴۱۹، ج ۱، ۱۶۲) و سپردن مسئولیت های سلطه آور به کافران و یا تفویض مناسبات حیاتی به آنان که شریان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، قضایی و فرهنگی کشور اسلامی را کنترل می کند نیز حرمت دارد(خمینی، ۱۳۸۹، ۱۲).به همین خاطر، همیشه باید مسلمان در موقعیت برتر ودارای عزت در جامعه، قرار داشته باشد. از مهمترین مصادیق این حکم می توان به حکم امام خمینی برای کاپیتولاسیون که امنیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان را به مخاطره انداخته بود و حکم میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو که امنیت ملی و اقتصادی کشور را به مخاطره انداخته بود، اشاره کرد.

قاعده مساوات

در فقه سیاسی اسلام یکی از قواعد اصلی قاعده مساوات است که طبق‌آن در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و فقیر وجود ندارد و همه در برابر احکام و قوانین و مجازات شرعی با هم مساویند. مقصود از مساوات،آن نیست که همهٔ انسان ها با هم تشابه کامل دارند، بلکه مراد این است که انسان‌ها از نظر حقوق و وظایف، در جامعه با هم مساویند. به عبارت دیگر، حکمی که از سوی خداوند یا پیامبر اکرم(ص) و زمامدار جامعه وضع و اجرا می‌شود، شامل همه افراد می‌شود و هیچ کس،حتی خود ولی جامعه از آن شمول آن خارج نیست.رسول خدا در جنگ و احکام اسیران جنگی هیچ فرقی میان خویشان و دیگران که به اسارت درآمده بودند، قائل نشد و برای آزادی آنان نیز مثل بقیه فدیه مطالبه کرد (نیشابوری،ج ۵، ۱۱۴). برابری در مقابل قانون و مجازات ناشی از نقض بعد دیگر این قاعده است. این بدان معناست که در صورت تخلف، همگان مستحق مجازات‌اند. یکی از ابعاد ناقض امنیت اجتماعی تخریب وجه مساوات در جامعه است و همیشه امنیت طبقه حکام، ثروتمندان و صاحب‌منصبان در صورت قانون‌شکنی باعث بی‌عدالتی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شده است که زمینه ساز نابودی ملل گذشته است به نحوی که رسول خدا در رابطه با تبعیض و نابرابری در حکمرانی و مدیریت جامعه فرموده« ای مردم، بعضی از ملل گذشته، نابود شدند، فقط به خاطر اینکه اگر فرد شریف و صاحب منصبی سرقت می کرد،رهایش می کردند و اگر فرد ضعیفی سرقت میکرد،بر او حدّ جاری می کردند». (ابن هشام، ۱۳۶۹،ج ۲، ۳۰۰) از مصادیق این قاعده در جامعه میتوان به تساوی افراد جامعه در فرصت‌های شغلی، مشارکت‌های سیاسی، انتخاب شدن، انتخاب کردن، برخورداری از امتیازات عمومی دیگر مواردی اشاره کرد که مقوم امنیت اجتماعی است.

قاعده حفظ نظام

قاعده حفظ نظام یکی از قواعد فقهی است که برای تامین امنیت ساختاری نظام سیاسی و تقویت ابعاد ساختاری و سخت امنیت اجتماعی استفاده میشود.بر خلاف تصور رایج، این قاعده، بیشتر از نظامی و سیاسی بودن جنبه اجتماعی دارد و در این مقام، مراد از حفظ نظام، حفظ کلیت اجتماع است نه نظام حکومتی، هرچند تلاش برای حفظ حکومت صالح و عادل هم مصداق حفظ نظام است؛ درواقع به حکم اینکه جامعه ناگزیر و نیازمندبه حکومت صالح است، تلاش برای حفظ حکومت صالحان نیز همچون یکی از عوامل لازم برای بقای جامعه واجب می‌شود. در مفاد امنیتی، این قاعده دو معنا دارد. در مفهوم اولی به معنای حفظ آراستگی و انسجام درونی جامعه و نهادهای آن در مقابل هرج و مرج و در مفهوم دوم به معنای حراست از کیان کشور یا همان حفظ بیضه اسلام است(نائینی، ۱۴۲۴، ۷). بعد ساختاری امنیت یکی از ابعاد زمینه‌ای و بنیادی برای برساخت امنیت اجتماعی است.

قاعده احترام به مال مسلمین

این قاعده یکی دیگر از ابعاد امنیت اقتصادی را برجسته میسازد. در نظرات صاحب جواهر(ج ۳۷، ۶۰)، اصل حرمت تصرف مال غیر بدون اذن صاحب و اصل تحریم خوردن مال غیر بدون اذن صاحب به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.یکی از مستندات این قاعده حدیث شریف «لا یحل مال امرئ الا بطیب نفسه» است.(حرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۸،۲۳۸) در مورد شمول قاعده اتلاف، برخی بر این باورند که دلالت بر ضمان عامل تلف مال دارد و بر این اساس برای اثبات ضمان در خسارت و تلف مال مورد استناد قرار می‌گیرد ولی بررسی مستندات و ملاک‌های این قاعده نشان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌دهد که هر کس به هر نحو موجبات زیان دیگری را فراهم کند، ضامن خسارت به معنای عام است که شامل هر نوع خسارتی می‌شود . عدم رضایت مشتری از کالای آگهی شده که به دلیل اغوا در تبلیغات تجاری تصمیم به خرید و پرداخت مال خود کرده است، باعث می‌شود که حتی در صورت تکلیفی نبودن حکم فوق به حرمت مال کسب‌شده، ضمان مدنی و اخلاقی در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، کسب مال از طریق آگهی گمراه‌کننده به‌مثابه کسب حرام است. کاربست تربیتی این قاعده نیز برای انجام معاملات در جامعه اسلامی بازدارندگی ایجاد خواهد کرد. یکی دیگر از قواعد فقهی در این زمینه که در قرابت مفهومی و کاربردی با قاعده حاضر است و جزء مولفه های اساسی امنیت اقتصادی و اجتماعی به شمار می رود، قاعدهٔ حجیت بازار مسلمانان است بدان معنا که هرگاه بازار اسلامی شرایط عمومی را داشته باشد و در آن، قواعد گوناگون فقهی حاکم باشد، برآیند رفتار آن در قیمت‌گذاری در وضعیت عادی حجیت می‌یابد. این بدان معناست که آنچه در بازار مسلمانان خرید و فروش می‌شود، اگر از نظر تزکیه و طهارت در آن تردید شود، می توان به بازار اعتماد کرد و از کالا به صورت طاهر استفاده کرد. قراردادهایی که در بازار منعقد می‌شود، معتبر است و قیمت بازار مسلمانان تا زمانی که از احتکار، تلقی رکبان و موارد حرام دیگر به دور باشد، معتبر است (محقق داماد،۱۳۷۴،ج ۱، ۱۱۰)

نتیجه‌گیری

بر اساس دیدگاه شیعه، احکام فقهی، بایدها و نبایدها و الزاماتی به شمار می روند که به وسیله فقیه جامع الشرایط از منابع خود کشف شده و تنظیم کننده عرصه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زندگی بشر هستند.جامعیت فقه را برای فرد و اجتماع بشر ناشی از ریشه دار بودن آن در منبع لایزال وحی می داند که عرصه‌های وسیعی از زندگی بشری را تا کنون پوشش داده است و ظرفیت پوشش سایر حیطه ها را نیز دارد. فقه الاحکام دربردانده حیطه های مهمی از زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان عنوان کرده است که احکام فردی، کنش اجتماعی، رابطه انسان با خود و محیط و امور مختلف دیگری مانند تجارت، اقتصاد، زندگی زناشویی، تغذیه و موارد فراوان دیگری را پوشش داده است زیرا دارای یک منبع معرفتی بالادستی است که سعادت دنیوی و اخروی نوع بشر را متضمن است. برخی از این حیطه ها در کتب مشهور فقهی مانند جواهر، و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

روایات مانند کتب اربعه پوشش داده شده و بر اساس آن فقیهان شیعی بزرگی نظریات فقهی متعددی را در طول تاریخ تشیع ارائه داده‌اند. علیرغم این سیر تطور فقه شیعه در این سالیان به دو بخش فقه فردی و فقه اجتماعی تقسیم میشود. یکی از نمودهای بارز عدم توجه به کاربست‌های فقه در بعد اجتماعی، وجود مشکلات بسیار گسترده در فقه نظامات و عدم تدوین فقه نظام منطبق با ویژگی‌های روز جوامع اسلامی است که در این میان، موضوع امنیت اجتماعی به دلیل رخدادهای کنونی جامعه ما، از اهمیت بسزایی برخوردار است.امنیت اجتماعی دارای مبانی نظری درون فقهی ومبانی نظری برون فقهی است و ظرفیت فقه در برساخت امنیت اجتماعی عبارتست از وضع حکم و استفاده از ظرفیت قواعد فقهی مانند قاعده نفی سبیل،حفظ نظام،مساوات،احترام به مال مسلمین.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن ابی الحدید عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ ق)، **شرح نهج البلاغه ابـن ابـی الحدیـد**، قـم: کتابخانـه آیـت‌الله مرعشی نجفی.

اصفهانی راغب،حسین، (۱۳۷۳ش) **المفردات فی غریب القرآن**، تهران: مکتبه البوذرجمهر المصطفوی.

اعرافی علیرضا، (۱۳۸۸ش)،**فقه تربیتی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابن هشام عبدالملک، (۱۳۶۹ش)، **السیره النبویه**،تهران:ادیب مصطفوی.

انصاری مرتضی، (۱۴۱۵ق)،**فرائد الاصول**، قم: موسسه نشر الاسلامی.

بجنوردی محمدحسن، (۱۴۱۹ق)، **القواعد الفقهیه**، قم: الهادی.

پارسانیا حمید، (۱۳۹۱ش)، **جهان‌های اجتماعی**، قم:کتاب فردا.

جلیلوندمحسـن و هاشـمی راضـیه، (۱۴۰۱ش)، **امنیـت اجتمـاعی در آرا امـام خمینـی(ره) و مقـام معظـم رهبری**، فصلنامه مطالعات منافع ملی، ش۲۹ ، ۱۴۹-۱۷۲.

جولنگرودی عبدالله وهرندی محمد، (۱۳۹۶ش)، **بررسی مبانی فقهی امنیت اجتماعی ازدیـدگاه فقهـای شـیعی معاصر**، مجله علوم اجتماعی، ش۳۹ ،۵۱۹-۵۳۰.

حر عاملی محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، **وسایل الشیعه**، قم: آل بیت لاحیاء التراث.

خمینی سید روح الله، (۱۳۷۸ش)، **شرح حدیث جنود عقل و جهل**،تهران: موسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی.

خمینی سید روح الله، (۱۳۸۵ش)، **صحیفه امام**، تهران: موسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی.

ربانی محمدباقر و ابراهیمی پورقاسـم،(۱۳۹۶ش)، **روش شناسی فقه اجتماعی از دوره تأسیس تـا دوره تثبیـت**، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ش۳ ،۳۵- ۵۳.

زرگرعلیرضا وپازوکیان اسدالله، (۱۳۹۸ش)، **واکاوی وتحلیل امنیت ومولفه‌های آن در فقه سیاسی اسلام**، نشـریه امنیت پژوهی، ش ۶۵، ۹۷-۱۲۹.

سام آرام عزت الله، (۱۳۷۰ش)، **مسائل سالمندی در ایران (مطالعـه‌ای در جمعیـت‌شناسـی سـالمندان ایـران)**، فصلنامه علوم اجتماعی،ش۱۲، ۱۱۳-۱۲۸.

علوی وفا، حمید، طباطبایی نیا، سید رضا. (۱۴۰۱). واکاوی امنیت اجتمـاعی در سـیره امـام زیـن العابـدین (علیـه السلام) (مطالعـه مـوردی صـحیفهٔ سـجّادیه). مطالعـات مـدیریت بحـران ۱۵۳-۱۹۲، ۱۴(۲). لینـک سـایت: https://cmj.ihu.ac.ir/article_207629.html

سیدی آقاملکی سید روح الله، (۱۳۹۸ش)، **اجتهاد شیعی و روش‌شناسی فقه اجتماعی**، فصلنامه علمی تخصصـی فرهنگ پژوهش، ش ۳۸، ۲۷-۴۴.

شکوهیان راد محمـدعلی، (۱۳۹۴)، **درآمدی بر مولفه‌های امنیت توحیدی در سند چشم انداز ۱۴۰۴ ش، مجلـه سیاست دفاعی**، ۶۱-۹۳ ، ۲۳ (۹۲).Dor: 20.1001.1.10255087.1394.23.92.4.1.

شریعتی روح الله،(۱۳۸۷ش)، **قواعد فقه سیاسی**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

صالحی اسماعیل، (۱۳۸۷ش)،**ویژگیهای محیطی فضاهای شهری امن**،مرکزمطالعاتی وتحقیقاتی شهرسازی.

صدوق محمد بن علی، (۱۳۸۶ش)، **علـل الشـرایع**،نجـف: مکتبه الحیدریه.

طاهری خرم آبادی، (۱۳۸۰ش)،**جهان در قرآن**، قم: بوستان کتاب.

طباطبایی سید محمدحسین، (۱۳۸۷ش)، **اصول فلسفه و روش رئالیسم**، قم: موسسه بوستان کتاب.

طباطبایی محمدحسین، (۱۳۸۷ش) **مجموعه رسائل علامه طباطبائی**. قم: بوستان کتاب.

گرجی ابوالقاسم، (۱۳۶۹ش)،**مقالات حقوقی**، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.

لک زایی نجف، (۱۳۹۰ش)،**فقه و امنیت**، مجله‌ی فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی،ش ۷۰، ۴۵-۸۶.

لکزایی نجف، (۱۳۹۳ش)،**مطالعات فقهی امنیت**، پژوهشنامه علوم سیاسی،ش۳۴، ۱۸۱-۲۰۶.

لکزایی نجف و نباتیان محمداسماعیل ،(۱۳۹۲ش)، **امنیت فرهنگی از منظر فقه شیعه**،ش۶۲، ۳۱-۵۸.

مازلو آبراهام، (۱۳۶۷ش)،**انگیزش و شخصیت**، مترجم احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.

مطهری مرتضی، (۱۳۸۴ش)،**مجموعه آثار** ،تهران: صدرا.

ملکی یدالله، (۱۳۹۵ش)، **شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی**،نشریه آمایش محیط،ش۳۳، ۱۳۳-۱۵۳.

محقق داماد مصطفی، (۱۳۷۴ش)، **قواعد فقه**، بخش مدنی ،تهران: سمت.

نائینی محمدحسین، (۱۳۸۸ش)،**تنبیه الامه و تنزیه المله**، تحقیق: سید جواد ورعی، قـم: بوستان کتاب.

نائینی محمدحسین، (۱۴۲۴ق)، **منیة الطالب**، قم: موسسه النشر الاسلامی.

نویدنیا منیژه، (۱۳۸۲ش)، **درآمدی بر امنیت اجتماعی**»،مطالعات راهبردی ، ش۱، ۵۵-۷۶.

نیشابوری مسلم بن حجاج، (۱۳۷۵ش)، **صحیح مسلم**، تحقیق محمد فـواد عبـدالباقی، بیـروت: دار احیـاء التـراث العربی.

نجفی محمد حسن،(۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

Buzan, B., & Wæver, O. (2003). Regions and powers: The Structure of International Security. Cambridge University Press.

Archive of SID.ir